



## فهرست

۱۱	پیش‌گفتار.....
۱۵	مقدمه.....
۲۳	فصل یکم. هستی‌شناسی ارسطو در متافیزیک.....
۲۳	۱-۱ درآمد.....
۲۴	۲-۱ سرآغاز هستی‌شناسی در یونان.....
۲۴	۳-۱ جهان در اندیشه هومروس.....
۲۵	۴-۱ جهان در اندیشه هسیودوس.....
۲۶	۵-۱ مکتب ایونیا.....
۳۰	۶-۱ فیثاغوریان.....
۳۰	۷-۱ هراکلیتوس.....
۳۲	۸-۱ پارمنیدس.....
۳۴	۹-۱ افلاطون.....
۳۷	۱۰-۱ هستی‌شناسی ارسطو.....
۳۸	۱-۱۰ آثار ارسطو.....
۴۰	۲-۱۰ متافیزیک ارسطو.....
۴۱	۱-۱۰-۲ نام و سرگذشت کتاب.....
۴۵	۳-۱۰-۱ یک ارسطو یا چند ارسطو؟.....
۴۶	۴-۱۰-۱ مسأله/مسائل اصلی ارسطو در هستی‌شناسی.....
۴۹	۵-۱۰-۱ حکمت یا مابعدالطبیعه.....

- ۱-۱۰-۵-۱ تعریف ارسطو از سوفیا/ حکمت در آلفای بزرگ ..... ۴۹
- ۱-۱۰-۵-۲ تعریف ارسطو از فلسفه در دفتر آلفای کوچک ..... ۵۵
- ۱-۱۰-۵-۳ تعریف ارسطو از هستی‌شناسی در دفتر گاما ..... ۵۷
- ۱-۱۰-۶ جایگاه متافیزیک در علوم؛ جایگاه هست/ هستی‌شناسی در متافیزیک ..... ۶۲
- ۱-۱۰-۷ معانی واژه وجود/ موجود ..... ۷۲
- ۱-۱۰-۸ اوسیا/ هست راستین / οὐσία ..... ۸۱
- ۱-۱۰-۹ صورت همچون هست راستین ..... ۱۰۶
- ۱-۱۰-۱۰ حرکت و حرکت دهنده نخستین ..... ۱۱۱
- ۱-۱۰-۱۱ محرک نامتحرک ..... ۱۱۳

فصل دوم. سرگذشت متافیزیک در زبان عربی ..... ۱۸۳

- ۱-۲ مقدمه ..... ۱۸۳
- ۲-۲ روایت ابن ندیم در الفهرست ..... ۱۸۶
- ۳-۲ متن متافیزیک ارسطو در تفسیر ابن رشد ..... ۱۹۰
- ۴-۲ متافیزیک ارسطو در آثار فیلسوفان در تمدن اسلامی ..... ۱۹۴
- ۱-۴-۲ م ارسطو در آثار کندی ..... ۱۹۷
- ۲-۴-۲ متافیزیک ارسطو در آثار فارابی ..... ۱۹۸
- ۳-۴-۲ م ارسطو در ملل و نحل شهرستانی ..... ۲۰۱

فصل سوم. هستی‌شناسی ابن سینا در اشارات و تنبیهات ..... ۲۱۷

- ۱-۳ مقدمه ..... ۲۱۷
- ۱-۱-۳ هستی‌شناسی فیلسوفان پیش از ابن سینا در تمدن اسلامی ..... ۲۱۷
- ۲-۳ «وجود» و «موجود» ..... ۲۱۹
- ۱-۲-۳ «وجود» و «موجود» در ساختار قواعد زبان‌شناسی ..... ۲۲۰
- ۲-۲-۳ معنای «وجود» و «موجود» در زبان عربی ..... ۲۲۱
- ۳-۲-۳ وجود و موجود در زبان یونانی ..... ۲۲۸
- ۴-۲-۳ «وجود» و «موجود» در آثار مترجمان متون فلسفی ..... ۲۲۹
- ۵-۲-۳ معنای دو واژه «وجود» و «موجود» پس از عصر استقرار فلسفه ..... ۲۳۱
- ۳-۳ هستی‌شناسی فیلسوفان ماقبل ابن سینا در تمدن اسلامی ..... ۲۳۳

- ۱-۳-۳ هستی‌شناسی در آثار کندی ..... ۲۳۴
- ۲-۳-۳ هستی‌شناسی زکریای رازی ..... ۲۳۵
- ۳-۳-۳ هستی‌شناسی فارابی ..... ۲۳۷
- ۴-۳-۳ هستی‌شناسی اخوان الصفا ..... ۲۳۹
- ۵-۳-۳ هستی‌شناسی عامری ..... ۲۳۹
- ۶-۳-۳ چند نکته ..... ۲۴۱
- ۴-۳-۴ هستی‌شناسی ابن سینا در اشارات ..... ۲۴۲
- ۱-۴-۳ مختصری در زندگی ابن سینا ..... ۲۴۳
- ۲-۴-۳ نام کتاب اشارات ..... ۲۴۳
- ۳-۴-۳ اهمیت اشارات و تنبیهات و تفاوتش با دیگر کتاب‌های شیخ‌الرئیس ..... ۲۴۵
- ۴-۴-۳ هستی‌شناسی ابن سینا در کدام بخش از اشارات؟ ..... ۲۴۸
- ۵-۴-۳ تعریف و غایت فلسفه اولی ..... ۲۴۹
- ۱-۵-۴ آیا موجود همان محسوس است؟ ..... ۲۵۲
- ۲-۵-۴ شیء ممکن چون معلول ..... ۲۵۵

فصل چهارم. مقایسه هستی‌شناسی ابن سینا در اشارات و تنبیهات با هستی‌شناسی ارسطو در

- متافیزیک ..... ۳۰۳
- ۲-۴ مقایسه دوفرد ودواثر ..... ۳۰۳
- ۱-۱-۴ مقایسه ارسطو و ابن سینا ..... ۳۰۳
- ۲-۲-۴ مقایسه م با اشارات ..... ۳۰۷
- ۳-۲-۴ فلسفه اولی چیست؟ ..... ۳۰۸
- ۴-۲-۴ آیا موجود همان محسوس است؟ ..... ۳۰۹
- ۵-۲-۴ شیء همچون معلول ..... ۳۱۰
- ۶-۲-۴ سخن آخر ..... ۳۱۲
- منابع و مأخذ ..... ۳۱۵



هستی، در نظر ارسطوی یونانی، مجموعه‌ای به هم پیوسته، در کون و فساد دائمی درون بود و خودبسنده است که محورش اوسیا/ جوهر است و همه اتفاقات این هستی در، با، به دست، و حول آن می‌گردد؛ اما در نگاه ابن سینا، این مجموعه، وابسته و متکی به آفریننده‌ای بیرون و متفاوت از همه باقی هستان است. این آفریننده، اما خود، نه فقط خودبسنده است و فراتر از بقیه هستان؛ بلکه هر هستی جز خود را هم از عدم به وجود می‌آورد و تا هست این اوست که هستش نگه می‌دارد. محور این هستی، همین آفریننده و نگه‌دارنده آن، یعنی واجب‌الوجود، است.

در هستی‌شناسی از و در بنیاد متفاوت ابن سینا، اجزایی هم از فلسفه ارسطو هست؛ همچنان‌که از فلسفه منحول نسبت داده شده به او که فلسفه نوافلاطونیان یونانی باشد. اما ساختمان و سازمان هستی‌شناسی ابن سینا غیر یونانی، اسلامی و مسلمانانه است و کمال یک دوره از فلسفه در این تمدن.

اما این همه بحث نیست و به راحتی نمی‌توان سخن این همه فیلسوف و مورخ فلسفه را نادیده انگاشت که باور داشتند ابن سینا شاگرد ارسطو بوده است. باید بینیم این فیلسوف مسلمان در کجا یا کجاها به شاگردی از آن فیلسوف یونانی متأثر بوده است و در کجاها از تأثیرپذیری از وی برکنار.

در این نوشته متواضع گاه به حدیث نفسی برمی‌خوریم سرگردان از حیرت یا درمانده در برابر پرسش یا پرسش‌هایی. می‌شد این عبارات را به شکل مقبول و معمول اهل فن برگرداند؛ اما شاید باقی گذاشتن نشان درواها و درماندگی‌های نویسنده این دفتر در این موارد به طبیعت زیست فکری ارسطو نزدیک‌تر باشد از روایتی قاطع و صلب که میان ایشان متداول است.

در این دفتر، عین عبارات ارسطو و ابن سینا نقل شده تا خواننده منبع ادعاهای نویسنده را در دست داشته باشد تا اگر خواست بتواند درباره انتخاب و فهم - تفسیر او نظر بدهد و هم خود بتواند به سمت انتخاب و فهم - تفسیر دیگری برود. علاوه بر عین عبارات این دو فیلسوف، به متون دیگر تا آنجا مراجعه شده که کمکی می‌رساند است به این انتخاب و فهم - تفسیر. بنا، در این دفتر، برابتنی بر اصل سخنان ارسطو و ابن سینا بوده است. از شارحان و مفسران ایشان و یا دیگر افراد اگر نقلی شده، برای پرتو افکندن بر سخن این دو بوده است. با این همه، به عمد و آگاهی از افتادن به دام نوشته‌ها و متون دیگر پرهیز شده است. گوا این که گریزی از تفسیر سخن آن دو و مراجعه به تفاسیر سخن ایشان نیست.

اگر توانسته باشد، پوینده این پژوهش، کوشیده‌ست با مراجعه به بخش‌های دیگر اشارات

و تبهات یا متافیزیک عبارات پیش روی خود ازین دو اثر را به فهم - تفسیری به گمان خود نزدیک به متن برساند و به آثار دیگران تا آنجا مراجعه و اتکا شده که ضرورت داشته‌ست و در این امر روزها ساعت‌های بسیاری به سرگردانی تردید، ابهام یا انتخاب تفسیر ممکن‌ترین نزدیک‌تری شده است. گوا این که ابن سینا خود نیز چنین بوده است؛ لا اقل در فهم - تفسیر عبارات متافیزیک ارسطو و شاید در همه آنات اندیشیدن و پیش و بیش از او ارسطو که گویی در جست‌وجو و به تردید می‌زیسته‌ست همه عمر را و این است گویا اساساً فلسفیدن را سرشت و که دروازیسته است به فلسفه عمر عزیز خویش را اگر به راستی فیلسوف بوده است!

و سپاس می‌گذارد این دانش‌آموز اکنون خسته به آستان همه استادان و معلمان خود در این ۴۰ سال؛ از آن نخستین مهرماه شاد و بازیگوش قلعه‌بردی عزیز تا این آخرین پاییز آرام و خاموش تهران خاکستری، به ویژه از:

آیت‌الله سید مهدی ابن‌الرضا خوانساری؛ معلم یگانه زیست اصیل و عزیز!  
دکتر عباس ذهبی، دکتر بابک عباسی، دکتر امیرعباس علی‌زمانی، دکتر رضا اکبری، دکتر مالک حسینی، دکتر حسین هوشنگی، و دکتر حسن قنبری که در طی کار، وقتی که این دفتر رساله دکتری بود، بارها از گفتگو با آنها نکته‌ها آموختم.

دکتر پرویز ضیاء شهابی، با آن حافظه درخشان و تفاسیر درخشان‌تر از متون یونانی، که حضورش هر مجلسی را حکمی می‌سازد؛ اینجا هم خدایان هستند!  
دکتر محمدرضا حسینی بهشتی که نادیده از قبل و نا آشنا، بی‌سفارشی حتی، نزدیک به دو هزار صفحه از کارهایشان را قبل از انتشار در اختیار بنده نهادند و چند جلسه نیز وقت گذاشتند، با حوصله شنیدند، و به آرامی و خوش پاسخ گفتند.

دوست گرامی دیرین، اکبر قنبری، که به لطف و دانش و هنرش انتشار این اثر را پذیرفت.  
پسرانم محسن و ماهان که اغلب سکوت می‌کنند و بسیار کم می‌خواهند.  
دیرزیند و شاد این جان‌ها و شما، همه گرامی، که این واژه‌ها از روشن نگاه شماست که مست می‌رقصند؛ و تو بگو هزار نکته باریک‌تر ز مو هست و نیست و دیده شاید نشده باشد درین کار. خب راهی‌ست اندکی طی شده تا یکی دیگر و بهتر در رسد و امید که بسیاران! پس بر ما ببخشید!